

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات تأیید می نمایم.

Edu Shoja
کلیل = بجاع - بجم

امضا:

■ ■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۸۱ - ۸۹)

۸۱- ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ﴾: **لا + اسم نكرة = نه**

- (۱) هزینه کنید پیش از فرا رسیدن آن روز که نه می توان خرید و فروش کرد و نه دوستی!
- (۲) انفاقی که می کنید باید از رزق ما به شما باشد و قبل از روزی که نتوانید فروش کنید و نه دوست یابی!
- (۳) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که نه فروشی در آن است و نه دوستی!
- (۴) از هرچه روزی شما کردیم هزینه کنید پیش از اینکه آن روز فرا برسد که نه می توان خرید و فروش کرد

و نه دوست یابی! **شروع به فکر کردن کردن**
۸۲- «أَخَذَ عُلَمَاءُ الْحَقِّوقِ يَفْكُرُونَ وَيَكْتُبُونَ قَوَانِينٍ تَحْتَوِي عَلَى أَكْثَرِ حَاجَاتِ الْإِنْسَانِ، وَ فِيهَا طَرِقٌ لِنَقْلِ نَقَائِصِ الْقَانُونِ فِي الْبِلَادِ»: قانوندانان

تفکر می کنند و قوانینی که حاوی بیشترین احتیاجات آدمی است را می نویسند تا راههایی برای کاستن از نقص های قانون در کشور در آن باشد!

(۲) **شروع** به فکر کردن و نوشتن قوانینی کردند که بیشترین نیازهای انسان را دربر می گیرد و در آن راههایی برای کم کردن کاستی های قانون در کشور وجود دارد!

(۳) فکر کردن و نوشتن راجع به قوانینی را پیش گرفته اند که بیشتر حاجات انسان را دربر داشته باشد، و در آن راههایی باشد تا از نقایص قانونی کشور بکاهد!

(۴) شروع می کنند به اینکه تفکر کرده قوانین فراگیری را بنویسند که حاوی بیشتر خواسته های بشر باشد و نیز شامل راههایی برای کم شدن کاستی های قانونی در کشور باشد!

۸۳- «مَنْ ذَا الَّذِي زَانَ السَّمَاءَ بِأَنْجُمِ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ لِيَهْتَدِيَ بِهَا النَّاسُ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَ أَنْزَلَ مِنْهُ مَاءً وَ أَخْرَجَ بِهِ أَنْوَاعَ النَّبَاتَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»: چه کسی آسمان را

(۱) زینت بخشید با ستاره های پراکنده مرواریدگون برای راهنمایی مردم در تاریکیهای خشکی و دریا و آبی از آن نازل کرد تا انواعی مختلف از گیاهان برویند!

(۲) مزین به ستاره های مرواریدگون پراکنده کرده است تا با آنها مردم را در تاریکیهای خشکی و دریا راهنمایی کند و از این آسمان آب نازل کرد که انواعی مختلف از گیاهان را برویند!

(۳) مزین کرد به ستاره هایی همچون مرواریدهای پراکنده تا در تاریکیهای خشکی و دریا مردم را راهنمایی کند و از آسمان آبی فرو فرستاد و انواعی از گیاهان مختلف را بیرون آورد!

(۴) با ستارگانی چون مرواریدهای پراکنده زینت داد تا بدانها مردم در تاریکیهای خشکی و دریا راهنمایی شوند و از آن آبی فرو فرستاد و بدان انواع مختلف گیاهان را بیرون آورد!

ماضی
شروع کردن

۸۴- « من حاول في إنجاز عمله مشتاقاً و ما شعر بالتعب سهّل كلُّ الأمور له ولو كانت صعبة، و لا يضعف عزمه أبداً! »:

(۱) هرکس که مشتاقانه کاری انجام دهد و سختی را حس نکند، همه کارهایش حتی اگر سخت باشد، آسان خواهد شد و هرگز اراده‌اش ضعیف نمی‌شود!

(۲) آنکه با اشتیاق در انجام کار تلاش کرد و رنج آن را احساس نکرد همه کارهایش آسان می‌گردد هرچند سخت باشد و ابداً اراده‌اش را ضعیف نمی‌گرداند!

(۳) هر آن کس که تلاش کند و در انجام کارش مشتاق باشد، همه کارهایش گرچه سخت، آسان شده احساس سختی نمی‌کند، و هرگز اراده او ضعیف نخواهد بود!

(۴) کسی که در انجام کار خود با اشتیاق تلاش کند و احساس رنج نکند، همه کارها برای او آسان می‌شود اگرچه سخت باشد، و هیچگاه اراده‌اش ضعیف نمی‌شود!

۸۵- « إن لم تشعر في وحدتك بالسعادة و السرور فلن تشعر بالسعادة في علاقتك مع الآخرين، لأن السعادة الحقيقية تأتي من أعماق وجودك! »:

(۱) هرگاه در تنهایی خود سعادت و سرور را حس نکنی پس روابطت با دیگران به تو خوشبختی نمی‌دهد، زیرا خوشبختی از درون تو بوجود می‌آید!

(۲) اگر در تنهایی خود احساس خوشبختی و شادی نکنی، در روابطت با دیگران احساس خوشبختی نخواهی کرد، زیرا سعادت حقیقی از اعماق وجودت برمی‌آید!

(۳) چنانچه در تنهایی سعادت‌مند و شاد نباشی، در ارتباط با دیگران احساس خوشبختی نخواهی کرد، چه خوشبختی واقعی از عمق وجود تو سرچشمه می‌گیرد!

(۴) هرگاه تنها به تنهایی به تو احساس خوشبختی و شادمانی ندهد در روابط با دیگران سعادت را حس نخواهی کرد، زیرا حقیقت خوشبختی در این است که از اعماق وجود تو نشأت گرفته باشد!

۸۶- عین الصحیح:

(۱) هنا في ساحة هذه المدينة القديمة كان رؤساء القبائل يجتمعون للشور حتى يجتنبوا الحرب: اینجا در میدان این شهر قدیمی سران قبایل برای مشورت جمع می‌شدند تا از جنگ دوری کنند!

(۲) كانت في كتب العلماء المشهورين في الماضي تجارب قد تأثرت بها آراء عصرنا العلمية تأثراً: در کتابهای دانشمندان بنام گذشته تجربه‌هایی است که نظرات علمی در این زمان از آن شدیداً تأثیر پذیرفته است!

(۳) هذه الأشجار الخضراء الجميلة كانت تحمل أثماراً ثقيلة في الصيف الماضي: این درختان سبز و زیبا، در تابستان گذشته میوه‌های سنگینی حمل کرده بودند!

(۴) كان الإيرانيون يحتفلون في الأيام الأولى من فصل الخريف في القرون الماضية: در قرون گذشته ایرانیها روز اول پاییز را جشن می‌گرفتند!

۸۷- عین الخطأ:

(۱) سمعتُ قصيدة رائعة وُصفت فيها سماء ليلة سوداء مع إنارة النجوم المنورة: قصیده جالبی را شنیدم که در آن آسمان شبی سیاه با درخشش ستارگان نورانی توصیف شده بود!

(۲) كنت أمشي مع صديقتي فرأينا عجوزاً يُريد أن يعبر الشارع فسادناه: با دوستم راه می‌رفتم که سالمندی را دیدیم که می‌خواهد از خیابان عبور کند پس کمکش کردیم!

(۳) أحب نباتاً هو موجود في ساحة بيتنا يُعطي ثمراً أحمر اللون: گیاهی در حیاط خانه‌مان است که دوستش دارم و قرمزترین میوه را می‌دهد!

(۴) لأتحير الناس إلا ظاهرة طبيعية تحدث قليلاً: فقط یک پدیده طبیعی که کم اتفاق می‌افتد مردم را شگفت‌زده می‌کند!

۸۸- «آن مرد پشیمان شد و دست دختر خود را گرفت و آن را بوسید و او را نزد خود نشاند»:

(۱) ندم الرجل و أخذ يد بنته و قتلها و أجلسها عنده!

(۲) أخذ ذلك الرجل يلام و يأخذ يد بنته و يقبله ثم أجلسها!

(۳) ندم ذلك الرجل و أخذ بيد بنته و قبله و أجلسه قريباً منها!

(۴) أخذ الرجل يلام و يأخذ يد بنته و يقبلها و ثم أجلسها عنده!

۸۹- عین ما لا یناسب فی المفهوم: «عداوة العاقل خیر من صداقة الجاهل»: ارزش عقلانیت + تعقل

(۱) اگر خصم جان تو عاقل بود به از دوستاری که غافل بود

(۲) دشمن دانا بلندت می کند بر زمینت می زند نادان دوست

(۳) دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست

(۴) دوستان چون جفا کنند همی من چه امید دارم از دشمن

دستی در دست
ناامیدی از رستان
ضدبوی دوستان

■ ■ اقرأ النّص التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۹۰ - ۹۴) بما یناسب النّص:

یُشير الخبراء إلى أهمية تناول العنب، بالاعتدال، و ذلك لإحتوائه على نسبة عالية من السّكر، إذ قد يؤدي تناول كميات كبيرة منه إلى ارتفاع السّكر بالدم، و يؤكدون أنّ فوائد تناول العنب بشكل معتدل أكثر من مضراته! فالعناصر الموجودة في العنب تساعد على منع العقل من الرّوال و فقدان الذاكرة مع الكبر في السن. و يقال إنّ العنب يُحسّن جريان الدم إلى الدّماغ و بالتالي تحسين التذكير اليومي. و أظهرت الدراسات، أنّ تناول أكلاّت خفيفة من العنب يُمكن أن يُساعد في توازن ضغط الدّم لأنّه يحتوي على نسبة عالية من البوتاسيوم الذي يُساعد في تقليل ضغط الدّم عن طريق المساعدة في اتّساع الشّرايين. و كذلك العنب يُنظّم دورة النّوم لإحتوائه على كمية صغيرة من هرمون النّوم و بأكله تزداد قوّة الجسم للوقاية من الأمراض لامتلانه من فيتامين جيم (= سي).

۹۰- عین الخطأ:

(۱) إنّ أكل فواكه مليئة بفيتامين جيم أو سي يُقترح عند الابتلاء بالسّهر!

(۲) كلّما تَمَسَّ جريانُ الدّم إلى الدّماغ، يتّخذ الإنسان عزمًا أصحّ!

(۳) من غايات الاعتدال هي المحافظة على صحّة الإنسان!

(۴) ما من فاكهة أو أكلة إلاّ و لها فوائد و مضرات!

۹۱- عین الصحيح:

(۱) تناول العنب ولو باعتدال، يُضّر المرضى المصابين بالسّكر!

(۲) من فوائد العنب التي تحصل بتأخير هي الوقاية من التّسيان!

(۳) من يلتزم أن يضع العنب في قائمة أسرته الغذائية يوميًا يتخلّص من ضغط الدّم!

(۴) أكل العنب من العوامل التي تُهدّي الأعصاب و تُسبّب أن ينام الإنسان نومًا عميقًا!

نظرات = صفارات

ملاک = یاخ بسخس

۹۲- عین الصحیح: یؤکد النص علی

- (۱) الالتزام بالنوم الكافي!
 (۲) اجتناب تناول السكریات أكیداً!
 (۳) الحفاظ علی قوة الجسم لمواجهة الأمراض!
 (۴) لزوم اتّخاذ الاعتدال في التغذية!
 ■ عین الخطأ في الإعراب و التحلیل الصرفي (۹۳ و ۹۴)

۹۳- « تناول - ارتفاع - يُحسّن - أظهرت »:

- (۱) ارتفاع: اسم - مفرد مذکر - مصدر (من باب افتعال) - مضاف إلى «السكر» - معرب / مجرور بحرف الجر؛ إلى ارتفاع: جار و مجرور
 (۲) أظهرت: فعل ماضٍ - للمؤنث الغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعديّ / فعل و فاعله «الدراسات»
 والجملة فعلية

- (۱) يُحسّن: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد (من باب تفعّل) - متعديّ / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 (۲) تناول: اسم - مفرد مذکر - مصدر (من باب تفاعل) - مضاف إلى «كميات» - معرب/ فاعل لفعل «يؤدي» و مرفوع

۹۴- « مُعتدل - الموجودة - يساعد - ينظّم »:

- (۱) مُعتدل: اسم - مفرد مذکر - اسم مفعول (مصدره: «اعتدال») - نكرة - معرب / صفة (نعت) و تابع للموصوف «شكل»
 (۲) ينظّم: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد (من باب تفعيل) - متعديّ - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 (۳) الموجودة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (من الفعل المجرد الثلاثي) - معرّف بأل - معرب / صفة أو نعت و تابع لموصوفه «العناصر»
 (۴) يساعد: فعل مضارع - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي بحرف واحد (من باب مفاعلة) - معلوم (= مبني للمعلوم) / فعل و مع فاعله جملة فعلية

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۹۵-۱۰۰)

۹۵- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) الصّدیقُ الصّدوقُ مَنْ نَصَحَكَ في عَيْبِكَ و حَفَظَكَ في عَيْبِكَ!
 (۲) يَكْذِبُ الإنسانُ الضّعيفُ و يَصْدُقُ الإنسانُ القوّيُ!
 (۳) أمّا هؤلاءُ فَيَتَعَلَّمُونَ و يُعْشَهُونَ الجاهِلُ!
 (۴) لا تَسْبُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا العداوةَ بَيْنَهُمْ!

۹۶- عَيْن ما ليس فيه «نون الوقاية»: **السنان (اسم) + ي**

(۱) أحب أن تكون أسناني سالمة عندما أصبح شيخًا!

(۲) **تَمَنِي** أمي من استخدام الجوال إلا للضرورة!

(۳) ربي العزيز أعني أن لا أكون معجبة بنفسي و متكبّرة!

(۴) أختي الكبرى أخذتني إلى المُستوصف لمعالجة صداعي!

۹۷- عَيْن «الباء» **يختلف** معناها:

(۱) إنا مسافرون فاسترحنا قليلاً بمنطقة مملوءة من الأشجار!

(۲) إذا جرح القط يلحق الجرح بلسانه، و هذا العمل علاجه!

(۳) إشترينا بيتًا جديدًا بشارعٍ قرب مدرستنا!

(۴) نام الطفل بغرفته بعد أن بكى كثيرًا!

۹۸- عَيْن «على» **لا تدل** على معنى الفعل: **على + صير + ارن جمله** **منه**

(۱) **عليكم** بإنفاق العلم فإنّ هذا العمل يزيد و لن ينقص منه شيء!

(۲) فحسبكم الطيب و وصف أدوية لشفايتكم، يجب عليكم تناولها صحيحًا!

(۳) لكلّ داءٍ دواءٌ فأيتها المرضى **عليكم** أن تجدوا الدواء المناسب لمرضكم الصّعب!

(۴) أيّ خلل في نظام الطبيعة يُؤدّي إلى موت الموجودات فيها. **عليكم** بتحقيق التوازن فيها!

۹۹- عَيْن ما لا نرجو وقوعه: **ليت**

(۱) يُحبّ أبوك أنّك تُصبح أنت رجلاً صادقاً في المستقبل!

(۲) لعلّ عزمك الراسخ سهّل لك الوصول إلى الغاية الأصلية!

(۳) بعض الطلاب بعد الامتحان يقولون: **ليتنا** كُنّا نَسعى أكثر!

(۴) يُريد كلّ شخص في الدنيا الراحة و لكنّها لا تتحقّق إلا بالصّعوبة!

۱۰۰- عَيْن المنادى **يختلف** عن الباقي:

(۱) حاول في طريقك الصّعب و دراستك المفيدة جيّدًا يا ولد!

(۲) إلهي! أعلم أنّك غفورٌ لجميع المخلوقات و الكائنات!

(۳) إعتدوا على أنفسكم يا شباب وطني المعزّزين!

(۴) ربّ! أنت الذي تَسترّ عَنّا كلّ ما هو قبيح و سيّئ!

منادى مفرّد

سباب + وطني

درک مطلب = متوسط رو به بالا

لسلمع = ساده

صفات

صفات

بکلیج رایجان عربی سفای، کنکور در

پیج و صفات من @EJL980808